

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

## Newsweek

### توان پدافند موشکی اسرائیل کافی نیست

درگیری نظامی اخیر بین ایران و اسرائیل، تحولی تاریخی در جنگ مدرن است. این درگیری با رگبار بی‌سابقه بیش از ۳۰۰ پهپاد، موشک‌های کروز و موشک‌های بالستیک، سیستم‌های دفاع موشکی اسرائیل و متحدانش را به شکلی بی‌سابقه آزمایش کرد. از یک سو، عملکرد اسرائیل در رهگیری این پرتابه‌ها نشان از قدرت تکنولوژیک دارد. سامانه دفاع موشکی بالستیک Arrow که بالاترین سطح معماری دفاعی اسرائیل است، حدود ۱۲۰ موشک را رهگیری کرد. اگر چه اکثر موشک‌ها خنثی شدند اما این واقعیت که برخی از آنها به اهداف خود رسیدند، بر خطرات موجود تأکید می‌کند. سامانه‌هایی که عمدتاً برای رهگیری موشک‌های بالستیک مورد استفاده قرار می‌گرفت، سامانه‌های Arrow-۲ و Arrow-۳ بودند که قادر به رهگیری موشک‌ها در طول بخش پرواز فضایی مسیر خود بودند؛ در حالی که سامانه‌های معروف‌تر گنبد آهنین نیز فعال شد و برای سرنگونی بیش از ۱۰۰ پهپاد ارسال شده به اسرائیل استفاده شد. سامانه از Sling-دوید-سیستم دفاعی میان‌برد- نیز برای سرنگونی موشک‌های کروز استفاده شد. هر دو سامانه Arrow به‌طور مشترک توسط صنایع هوافضای اسرائیل و یوئنتک در ایالات متحده توسعه یافته‌اند. این برنامه در اواسط دهه ۱۹۸۰ پس از آنکه رونالد ریگان از متحدان آمریکا دعوت کرد تا به برنامه جنگ ستارگان که توسط ایالات متحده برای محافظت از hdk a;v در برابر موشک‌های قاره‌پیمای شوروی توسعه یافته بود، پیوندند، آغاز شد. اسحاق رابین، وزیر دفاع اسرائیل در آن زمان، پیوستن به این برنامه را توصیه کرد و Arrow یکی از پروژه‌هایی بود که اسرائیلی‌ها برای توسعه آن به آمریکا‌ها پیوستند. در حالی که موفقیت‌فنی این سیستم‌ها قابل توجه است، اما پیامدهای حمله ایران عمیق است. به‌طور سنتی، ایران از رویارویی مستقیم خودداری می‌کند و به‌جای آن از اعمال نفوذ خود از طریق گروه‌های مورد حمایتش مانند حزب الله، حماس، حوثی‌ها و دیگر گروه‌ها اقدام می‌کند. این استراتژی این امکان را برای ایران فراهم می‌آورد که خود را از انتقام جویی مستقیم دور نگه داشته و بتواند قدرتش را دور از مرزهای خود به نمایش بگذارد. این اولین حمله مستقیم از خاک ایران به اسرائیل بود و بنابراین نشان‌دهنده تشدید و تغییر تاکتیک ایران است. این حمله مستقیم نشان می‌دهد که هرگونه اقدام مهم اسرائیل علیه ایران، مانند هدف قرار دادن رهبران نظامی یا خرابکاری در تأسیسات هسته‌ای، اکنون می‌تواند واکنش موشکی مستقیمی را برانگیزد. علاوه بر این، با رهگیری ده‌ها موشک توسط Arrow، ایران اکنون این توانایی بالقوه را خواهد داشت که پیام‌رودر نحوه شلیک موشک‌هایش، کدام یک از آنها و چرا موفق شده به هدف اصابت کند و سپس برنامه‌اش را در حملات آینده بازبینی کند. اساساً، دستاوردهای رهگیری اسرائیل، به همان اندازه که قابل توجه بود، می‌تواند به عنوان طرحی برای ایران برای تجزیه و تحلیل و تلاش برای دور زدن سامانه اسرائیل در حملات بعدی باشد.

براساس ارزیابی‌های ارتش آمریکا، ایران تقریباً ۳ هزار موشک بالستیک در زرادخانه خود دارد و براساس حمله اخیر به اسرائیل، ایران از بیش از ۱۲۰ موشک‌انداز استفاده کرده است. همه اینها نشان می‌دهد که ایران تقریباً با هیچ محدودیتی در توانایی خود در ساخت موشک و تجهیزات مرتبط مواجه نشده است. به همین دلیل، اسرائیل می‌داند که نمی‌تواند دست روی دست بگذارد. اسرائیل مجبور است درس بگیرد چرا که در هر صورت تعدادی از موشک‌های ایران از سامانه پدافند هوایی اسرائیل عبور کرده و به هدف اصابت کرده‌اند. جنبه اقتصادی ایجاد این سپر موشکی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. هزینه هر موشک رهگیر سامانه Arrow حدود ۳ میلیون دلار برآورد شده است. موشک‌های رهگیر Iron Dome ارزان‌تر هستند و قیمت هر کدام بین ۵۰ هزار تا ۱۰۰ هزار دلار است. این هزینه در هر درگیری طولانی مدت بسیار زیاد خواهد بود. رویارویی اسرائیل و ایران از سایه بیرون آمده و پس از حمله اخیر، اکنون شاهد موجودیت مسابقه تسلیحاتی جدید در خاورمیانه هستیم. ایران تلاش خواهد کرد تا توانایی‌های خود را برای غلبه بر سیستم دفاع موشکی اسرائیل تطبیق و توسعه دهد، در حالی که چالش اسرائیل همان چیزی خواهد بود که مدت‌ها بوده است و آن اینکه حداقل یک قدم جلوتر از دشمن باشد.



## دیپلماسی

DIPLOMACY



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

## نگاه تحلیلگران

۱- ایجاد یک کانال پشت‌پرده واسطه‌گری، حتی غیرمستقیم، میان سیاستگذاران امنیتی ایرانی و اسرائیلی: ضروری است که ایالات متحده در چنین کانالی بازیگر کلیدی باشد. چندین بازیگر منطقه‌ای مانند عمان، قطر و ترکیه هستند که می‌توانند کانال‌هایی را با ایران حفظ کنند. این کانال پشت‌پرده باید روی ایجاد «قواعد جدید بازی» یا «خطوط قرمز» کار کند تا اطمینان کسب کند که دو قدرت منطقه‌ای بار دیگر وارد تنش مجدد نشوند.

۲- از آنجا که موج اخیر تشدید تنش منطقه‌ای نتیجه تازه‌ترین دور منازعه اسرائیلی-فلسطینی است، ایالات متحده باید تلاش‌هایش را برای یافتن راه حل نهایی پایدار برای جنگ در غزه صدچندان کند، بازگشت گروگان‌های باقیمانده اسرائیلی را تسهیل کند و تلاش کند تا شرایط امنیتی و بازسازی برای مردم غزه با شتاب بهبود پیدا کند. آمریکا همچنین باید بر بازگشت به مسیری به سمت راهکار دودولتی پافشاری کند.

۳- آمریکا و چین باید از نزدیک بر شرکای‌شان نظارت کنند، آمریکا بر اسرائیل و چین بر ایران، تا بتوانند در ادامه راه این محور خطرناک منازعه را مدیریت کنند و از درگیری شدید اجتناب کنند.

### بازنگری جدی در استراتژی جنگ نیابتی

الکس وطن‌خواه

مدیر برنامه ایران اندیشکده مؤسسه

خاورمیانه



درگیری چشم در برابر چشم اخیر میان ایران و اسرائیل باعث یک بازنگری در تهران خواهد شد، هر چند که در ابتدای امر نیاز به این بازنگری به وضوح مشخص نیست. فعلاً مقام‌های ایرانی دنبال این هستند که نشان بدهند شلیک موشک‌ها و پهپادهای جمهوری اسلامی به سمت اسرائیل در ۱۳ آوریل باعث شکل‌گیری مجدد بازدارندگی دو جانبه شد. این دور از تنش‌ها با حمله هوایی اسرائیل به کنسول‌گری ایران در دمشق در تاریخ یک آوریل آغاز شد که باعث کشته‌شدن چندین فرمانده کلیدی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد. پس از آن ایران حمله انتقامی خود را در تاریخ ۱۳ آوریل انجام داد و پس از آن هم اسرائیل تصمیم گرفت در واکنشی محدود در ۱۸ آوریل به ایران حمله کند. حالا که هر دو طرف دستکش‌های مستثنی را درآوردند، دیگر نمی‌توانند به دوران «جنگ سایه» بازگردند. هر دو طرف نشان داده‌اند که می‌توانند تاسیسات حساس یکدیگر را با زرادخانه تسلیحاتی‌شان هدف قرار دهند اما این نخستین بار در بیست سال گذشته، از زمان ایجاد محور مقاومت است که ایران باید انتخاب کند آیا می‌خواهد کل استراتژی امنیت ملی‌اش غرب را منازعه با اسرائیل استوار کند یا نه.

در ادامه مسیر ایران می‌تواند انتخاب کند که این منازعه را به جای استفاده از محور مقاومت، از طریق ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک حل و فصل کند. محور مقاومت، مدلی از جنگ نیابتی است که منجر به منزوی شدن ایران از غرب شده است و باعث شد که همسایگان عرب ایران عمیقاً نسبت به اهداف منطقه‌ای ایران احساس ناامنی کنند. در هر صورت در هفته‌های اخیر محاسبات بنیادی ایران در خصوص معادله هزینه و فایده‌ای که الگوی جنگ نیابتی را توجیه می‌کرد، به شکل قابل توجهی تغییر یافته است. الگوی نیابتی به این معنا بود که ایران همواره می‌توانست با دشمنان منطقه‌ای‌اش دور از خاک ایران و با هزینه‌ای ناچیز بجنگد. اما با وارد شدن رقابت ایران و اسرائیل به فاز منازعه مستقیم، استفاده از این الگو دیگر ممکن نیست. ایران نخستین کشوری نیست که از نیروهای نیابتی برای پیش‌برد خواسته‌هایش استفاده کرده است. در قرنی که گذشت، ایالات متحده، اتحاد جماهیر شوروی، روسیه و چین همه به صورت گسترده از نیروهای نیابتی برای کسب قدرت استفاده کرده‌اند. همه این دولت‌ها اگر زمانی احساس می‌کردند که هزینه‌های یک نیروی نیابتی از فایده بیشتری می‌شود، آن را رها می‌کردند. علاوه بر این هزینه‌های جنگ نیابتی هیچ‌وقت صرفاً بر مبنای تعهد به یک آرمان ایدئولوژیک محاسبه نمی‌شود، بلکه عواملی مانند منافع ژئوپلیتیک، هزینه‌های مالی و حمایت داخلی از استراتژی نیابتی در این هزینه‌ها تأثیرگذار هستند. در مورد به‌خصوص، ایران، الگوی نیابتی منطقه‌ای بیش از آنکه ائتلاف‌هایی ایده‌آل باشد، محصول فرصت‌هایی است که در ۲۰ سال گذشته ایجاد شده است؛ از جمله زمانی که شورشی‌های سیاسی در کشورهایی مانند سوریه و یمن رخ داد و در این کشورها خلأ سیاسی برجای گذاشت. نمونه‌اش رابطه سست تهران با رژیم بشار اسد در سوریه. همه اینها به این معنی است که ایران باید یک بازنگری

جدی و دقیق در هزینه‌ها و فایده‌های استراتژی جنگ نیابتی‌اش علیه اسرائیل و حامیان آمریکایی آن انجام دهد. عواقب بالقوه هرگز تا این حد بزرگ نبودند و مجموعه شرایط به شکل روزافزونی سست به نظر می‌رسد، چرا که تعدادی از شرکای ایران در محور مقاومت در بهترین حالت متحدان مشروطی هستند که دنبال منافع خودشان می‌گردند و هم‌زمان افکار عمومی ایران هم با استراتژی پر مخاطره جنگ نیابتی ایران هم‌مخالفند.

### اسرائیل و اهمیت ائتلاف‌ها و شرکات‌ها

نمرود گرون

پژوهشگر ارشد مسائل اسرائیل در

اندیشکده مؤسسه خاورمیانه



سیل پرشتاب خبرها در خاورمیانه باعث شد تا افکار عمومی اسرائیل به سرعت از حمله ۱۳ و ۱۴ آوریل ایران که در لحظات انجامش یک تهدید به شدت خطرناک و بی‌سابقه به نظر می‌رسید، منحرف شود. بعد از اقدام انتقامی اسرائیل که با پاسخ مجدد ایران مواجه شد، تمرکز اسرائیل با توجه به آماده‌سازی برای حمله به رفح و تنش‌های جاری با حزب الله در مرز با لبنان، بار دیگر به غزه برگشت اما شتاب وقایع نباید ماهیت تحول آفرین تصمیم ایران را برای هدف قرار دادن مستقیم اسرائیل برای نخستین بار تحت الشعاع قرار دهد. این تحولی است که می‌تواند به ایجاد قواعد جدید درگیری در منازعه طولانی دو قدرت خاورمیانه منجر شود و می‌تواند محاسبات اسرائیل را برای هدف قرار دادن مواضع ایران در آینده تحت تأثیر قرار دهد. پیش از حمله ایران به اسرائیل، اسرائیل گفته بود که انتقام می‌گیرد و به نظر می‌رسد که این کار را کرد اما حمله اسرائیل یک واکنش کاملاً محاسبه شده بود که هدف آن جلوگیری از تشدید مجدد تنش و واکنش ایران بود. این حمله مواضع نظامی مرتبط با نیروی هوایی را هدف قرار داد و نه مواضع غیرنظامی و هسته‌ای را که متناسب با هدف‌های انتخاب‌شده ایران در حمله چند روز قبل بود. اسرائیل به شکل واضحی از برعهده گرفتن مسئولیت این حمله خودداری کرد، هر چند اشاره‌های مشخصی ارائه داد که اگر کسی تردیدی داشت، مطمئن شوید کار، کار اسرائیل بود. این اقدام به ایران فرصت داد که حمله اسرائیل را انکار کند و کل قضیه را دست کم بگیرد تا با حفظ وجهه خود بتواند عدم واکنش فوری به این اقدام را مشروع جلوه دهد. اسرائیل هم تلاش کرد تا به دلیل واکنش محدود به شلیک ۳۰۰ پهپاد، موشک کروز و بالستیک، اقدام‌هایی انجام دهد که وجهه خود را حفظ کند. منابع اسرائیلی مدعی شدند که اسرائیل قصد داشت عملیات بسیار بزرگ‌تری اجرا کند، اما تحت فشار غرب این عملیات را محدود کرد. اسرائیل درس‌های زیادی از اقدام برای مقابله با تهاجم ایران گرفت. این اقدام مشترک با همکاری ایالات متحده آمریکا، اردن، عربستان سعودی، فرانسه و بریتانیا انجام شد. اسرائیل همواره از خوداتکایی و آزادی عملش در اقدام نظامی به‌عنوان اصل اساسی در دکرین امنیتی‌اش یاد می‌کرد، هر چند در واقع همواره متکی به چراغ سبز و حمایت نظامی آمریکا بود. در پی حمله موشکی و پهپادی ایران، این موضوع که اسرائیل مجبور است در چارچوبی اقدام کند که آمریکایی‌ها با آن موافق باشند، برای افکار عمومی اسرائیل واضح‌تر شد. هم‌زمان اهمیت استراتژیک روابط مسالمت‌آمیز (هر چند محدود) اسرائیل با اردن هم از همیشه روشن‌تر به نظر می‌رسد. این موضوع باعث شد که اظهارنظرهای مکرر راست‌گرایان افراطی اسرائیل که نسبت به کارایی روابط با اردن تردید داشتند، کاملاً راد شود. موضوع دیگری که عیان شد، این بود که همکاری استراتژیک میان آمریکا، عربستان سعودی و اسرائیل که در مقابله با حمله‌های حوثی‌ها از ۷ اکتبر تاکنون شروع شده بود، به مسائل دیگر هم تفسری پیدا می‌کند. اسرائیل برای اینکه در آینده بتواند در مقابله با ایران توفیق پیدا کند، باید شرکات‌های منطقه‌ای خود را تقویت کند. چنین شرکاتی را اسرائیلی‌ها می‌توانند با قرار گرفتن در مسیر راهکار دودولتی به بهترین نحو تأمین کنند. قرار گرفتن در مسیر راهکار دودولتی باعث زمینه‌سازی برای عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی می‌شود و می‌تواند وضعیت روابط منطقه‌ای اسرائیل را بهبود بخشد. در همین شرایط اسرائیل و ایران احتمالاً به وضعیت قبلی منازعه باز می‌گردند. گروه‌های نیابتی ایران، به‌ویژه حزب الله، همچنان در مرزهای اسرائیل چالش ایجاد می‌کنند و احتمالاً اسرائیل به اقدام‌های مخفیانه علیه اهداف ایرانی مرتبط با برنامه هسته‌ای و همچنین با هدف محدود کردن حضور ایران در سوریه، ادامه خواهد داد. اسرائیل احتمالاً از این موضوع رضایت دارد که یکی از نتایج درگیری‌های آوریل این بود که ایران تنها در صورتی پاسخ مستقیم نشان می‌دهد که حمله به خاک خود (از جمله تأسیسات دیپلماتیک خارج از کشور) انجام شده باشد. چنین خط قرمزی برای استمرار عملیات اسرائیل منطقی به نظر می‌رسد. اسرائیل و ایران در زد و خورد اخیرشان نشان دادند که هر دو عاقلانه رفتار می‌کنند و منازعه را در سطحی که تمایل دارند، محدود



# تغییر قواعد مواجعه

پژوهشگران اندیشکده مؤسسه خاورمیانه

از شرایط خاورمیانه پس از رویارویی مستقیم ایران و اسرائیل می‌گویند